

یادداشت

راهبردهای عبور صنعت خودرو از وضعیت اضطرار ضرورت بازنگری در حکمرانی و تقویت نقش بخش خصوصی



امیرحسن کاکایی

صنعت خودروی کشور امروز در نقطه‌ای تعیین‌کننده قرار دارد؛ نقطه‌ای که عبور از آن نیازمند درک عمیق واقعیت‌های موجود و اتخاذ راهبردهای مبتنی بر شرایط ویژه کنونی است. نخستین گام، پذیرش این واقعیت است که کشور در انتهای سال درگیر جنگی فراگیر با برقدرت دنیا شد و اگرچه با ماهیت نظامی آغاز شده است، اما به‌سرعت ابعاد اقتصادی، صنعتی و زیرساختی به خود گرفت و بخش‌هایی از صنایع غیرنظامی کشور را هدف قرار داد. در این حالت بدیهی است که نمی‌توان از روش‌های قبلی مشکلات فعلی را برطرف کرد و به مسیر رشد و توسعه بازگشت. همچنین باید یادآوری کنم که هنوز مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ به‌خوبی نمایان نشده‌اند و بخش مهمی از مشکلاتی که امروز مشاهده می‌کنیم، نتیجه جنگ اقتصادی و فرهنگی فراگیر در دو دهه گذشته با آمریکا است که از سال ۱۳۹۱ به مرحله جدیدی وارد شد و با وجود نوسانات مختلف در مسیر این جنگ از طرف دشمن و تغییرات جهانی، سسنولان ما تقریسا با یک فرمان، سیاست‌گذاری‌ها را دنبال کردند که نتیجه آن رشد بسیار پایین و اغلب منفی در ۱۳ سال گذشته بوده است. با وجود این فشارها، کشور توانست با اتکا به ظرفیت‌های داخلی در برابر تهدیدات گسترده مقاومت کند و از این مواجحه سربلند بیرون آید. با این حال، پیامدهای چنین تقابلی ناگزیر بوده و اکنون در مرحله‌ای قرار گرفته‌ایم که باید به بازسازی و ترمیم ساختارها بپردازیم. این امر در برخی حوزه‌ها مستلزم آغاز دوباره و صرف زمان درخور توجه است؛ از این‌رو اتخاذ راهبردهای نوین و هماهنگ با شرایط روز ضروری است. یکی از اساسی‌ترین الزامات، پذیرش این نکته است که اداره صنعت خودرو با رویکردها و سیاست‌های گذشته امکان‌پذیر نکرده، سیاست‌گذاری این حوزه در سال‌های اخیر عمدتا زرمه، مقطعی و فاقد نگاه راهبردی بوده است. بی‌توجهی به آینده و غلبه اقدامات واکنشی، صنعت را از مسیر توسعه پایدار دور کرده است. مهم‌ترین رکن این سیاست‌ها در صنعت خودرو، کنترل قیمت خودروی سواری (و رهاسازی قیمت خودروهای تجاری) و صدور انواع خرده‌فرومایش بدون توجه به بقیه ارکان سیاست‌گذاری و مدیریت و تصدی‌گری دولتی (به جای حکمرانی) و سرمایه‌گذاری‌های پرانگده و تغییرات دائمی بخش‌نامه‌ها بوده است.

از سسوه دیگر، نظام اقتصادی کشور نیز به دلیل ناهماهنگی و نبود انسجام رفتاری، نتوانسته است پاسخ‌گوی نیازهای صنعت باشد. با توجه به سهم بالای دولت در اقتصاد -که در برخی گزارش‌ها تا ۸۰ درصد ذکر شده- طبیعی است که بخش خصوصی مجال کافی برای نقش‌آفرینی مؤثر نیافته باشد؛ درحالی‌که توان انجام اقدامات بزرگ در مقطع فعلی عمدتا در اختیار بخش خصوصی است. برای اصلاح مدیریت، شکرگیری اجماع و هماهنگی در سطح کلان اقتصادی، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. تصمیمات و سیاست‌های ملی هنگامی به نتیجه می‌رسند که در همه سطوح اجرایی، از وزارتخانه‌ها تا استان‌ها و از بانک مرکزی تا شعب بانکی، به‌طور کامل و دقیق اجرا شوند و وحدت رویه وجود داشته باشد. تجربه تسهیلات ۷۰۰مهمتی نمونه‌ای روشن از پیامدهای نبود هماهنگی میان سطوح تصمیم‌سازی و اجراست. از منظر صنعتی، بنگاه‌های تولیدی امروز نیازمند حمایت هدفمند و نظارت مؤثر هستند تا ضمن حفظ تاب‌آوری، بتوانند وظایف و تعهدات خود را در شرایط ویژه کنونی ایفا کنند. تجربه خصوصی‌سازی در صنعت خودرو در اواخر سال ۱۴۰۳ نیز مؤید این نکته است که سپردن امور به بخش خصوصی می‌تواند نتایج مثبت و ملموسی به همراه داشته باشد؛ چنان‌که شرکت خصوصی‌شده در سال ۱۴۰۲ رشد بالای ۱۵درصدی تولید را تجربه کرد. درحالی‌که شرکت دولتی با کاهش شدید تولید مواجه شد. بنابراین واگذاری امور اجرایی به بخش خصوصی و تمرکز دولت بر نقش سیاست‌گذاری و نظارت باید به‌عنوان یکی از راهبردهای اصلی صنعت خودرو دنبال شود.

برای دستیابی به این هدف، ضروری است سیاست‌های ارزی، مالیاتی، بیمه‌ای و گمرکی به‌گونه‌ای تدوین و اجرا شوند که ضمن کاهش هزینه‌های غیرمولد، مسیر رشد صنعتی را هموار کنند. بخش درخور توجهی از مشکلات فعلی، حاصل بی‌برنامگی و نبود حکمرانی اقتصادی سازگار با نیازهای صنعت است. اگر سیاست‌گذاری اقتصادی با تمرکز بر مدیریت صحیح منابع ارزی و ایجاد مسیرهای جدید تامین و تخصیص منابع انجام گیرد، می‌توان در بازه‌ای حدود شش‌ماهه بسیاری از تنش‌های موجود ازجمله کمبود فولاد را برطرف کرد. این ظرفیت در کشور وجود دارد و بخش خصوصی به‌خوبی با رهاکارهای اجرایی آن آشناست؛ آنچه نیاز است، ثبات سیاسی و اعتماد به توان داخلی است.

البته سیاست ارزی موضوع پیچیده‌ای است و شاید در کوتاه‌مدت نشود در آن تغییر محسوسی ایجاد کرد. هرچند آقای همتی با این قول دوباره وارد بانک مرکزی شدند و آقای مدنی هم با همین سیاست کلان وارد وزارت اقتصاد شدند، ولی رکن مهم‌تر تحرک شدید صنعت خودرو، اجرای قوانین تجارت به جای حکمرانی بر مبنای نگاه امنیتی است و نتیجه بدیهی این اصلاح روش قیمت‌گذاری خودروهای سواری است. اینکه تمام ارکان تولید با قیمت‌های روز و بر مبنای تورم محاسبه و مبادله شود، با قیمت‌گذاری دستوری موجود به‌هیچ‌وجه همخوانی ندارد و ابتدا برهم‌زدن قواعد تجاری است و به این ترتیب صنعت و تجارت را در گردابه سقوط می‌اندازد؛ گرداب‌هایی که حداقل هشت سال است بر صنعت کاملاً حاکم است و نتیجه آن مشهود. البته ادامه این مسیر در شرایط فعلی دیگر امکان‌پذیر نیست. لازم به ذکر است که این رکن مهم‌تر از رکن یکسان‌سازی قیمت ارز است، چراکه اگر این رکن اجرا شود، به هر حال صنعت می‌تواند حرکت کند و به ارزش‌آفرینی در اقتصاد ادامه دهد. هرچند اگر موضوع سیاست‌های ارزی و مالی روشن نباشد، هزینه‌ناکارآمدی نظام اقتصادی ناشی از سیاست بانک مرکزی و وزارت اقتصاد را صنعت و مردم می‌دهند. پس امید است که هم‌زمان حداقل درباره خودروی سواری که هم‌اکنون از اولویت راهبردی در مقابل مواردی مانند غذا، دارو، اشتغال و آموزش است، این سیاست اصلی اصلاح شود.

البته برخی ادعا می‌کنند این حرکت باعث افزایش شدید قیمت‌ها می‌شود. به این افراد مدعی یادآوری می‌کنم که یک بار برگردید و به عقب نگاه کنید.بندازید. حتی لازم نیست پشت سر را نگاه کنیم. ببینیم همین الان که این قیمت‌گذاری دستوری اجرا می‌شود، آیا قیمت‌های خودرو در بازار تحت کنترل است؟ یادمان باشد که اگر هم می‌خواهیم قیمتی را کنترل کنیم، باید قیمت خودروهای تجاری باشد، نه سواری. به هر حال سیاست آزادسازی قیمت‌ها در صنعت خودروی تجاری نشان داد که چقدر می‌تواند تبعات مثبت اقتصادی و صنعتی داشته باشد. امید است که سیاست‌گذاران با درک این اولویت‌ها و تغییرات راهبردی، یک تصمیم جدی در این مقطع مهم تاریخی بگیرند تا بتوانند از ورشکستگی شدید بنگاه‌ها، برهم‌ریختگی بازار و بیکاری شدید در بخش خودرویی اقتصاد جلوگیری کنند. به باور این‌جانب، با اتخاذ تصمیم‌های صحیح، هماهنگ و مبتنی بر واقعیت‌های امروز، می‌توان مسیر احیای صنعت خودرو را هموار کرد و آن را در مسیر توسعه پایدار قرار داد. این مسیر از اصلاح حکمرانی، اعتماد به بخش خصوصی و حضور فعال و مؤثر در میدان عمل می‌گذرد.

منبع: www.sharghdaily.com



گزارش «شرق» از رویارویی ایران و آمریکا در دو جبهه تنگه هرمز و محاصره دریایی که می‌تواند نتیجه جنگ را رقم بزند

کارت بازی نفت

برگ برنده ایران: جنگ با مذاکره؟

این گزارش‌ها سبب شد آمریکا اعلام کند که محاصره دریایی ایران را سفت‌وسخت اجرا می‌کند؛ موضوعی است که ایران با آن مخالفت کرده و شرط حضور در مذاکرات را رفع محاصره دریایی اعلام کرده است. با این حال با پایان آتش‌بس دوهفته‌ای در روز گذشته و غیبت ایران در دوره دوم مذاکرات در اسلام‌آباد پاکستان، دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا، اعلام کرد که آتش‌بس برای ادامه مذاکرات تمدید می‌شود و البته محاصره دریایی برداشته نمی‌شود؛ محاصره دریایی که از سوی وزارت انرژی آمریکا «خشم اقتصادی» توصیف شد و معادلی برای عملیات نظامی آمریکا یا «خشم حماسی» به حساب می‌آید. از آن سو ادامه جنگ نظامی آمریکا با ایران با یک مانع قانونی مواجه است؛ مطابق قانون آمریکا موسوم به قانون «اختیارات جنگی ۱۹۷۳»، رئیس جمهوری بدون مجوز کنگره تنها ۶۰ روز می‌تواند در جنگ با یک کشور بماند و پس از آن برای ادامه جنگ نیاز است که مجوز جنگ را از کنگره دریافت کرده یا ثابت کند که برای خروج منظم نیروهای آمریکا از منطقه به زمان بیشتری نیاز دارد. با این حال رسانه‌های آمریکایی می‌نویسند که ترامپ می‌تواند این قانون را دور بزند. خبرنگاران با استناد به این گزارش‌ها نوشته‌اند است که «کارشناسان می‌گویند اگر قبل از اول ماه می صلحی برقرار نشود، ترامپ باید از بین دو گزینه یکی را انتخاب کند. او می‌تواند به ارتش دستور دهد که به جنگ ادامه دهد؛ که این قانون را نقض می‌کند و او را تحت فشار بیشتری قرار می‌دهد و دموکرات‌ها و رقبای با صدای بلندتری او را سرزنش می‌کنند.

با می‌تواند نیروهای آمریکایی را از خلیج فارس فرا بخواند و ایران را به بیروزی واقعی و اخلاقی برساند، اگرچه احتمالا تبلیغات کاخ سفید در آن زمان برای بازتعریف عقب‌نشینی به‌عنوان «کار خوب انجام‌شده» شروع خواهد شد». خبرنگاران در ادامه نوشته‌اند: «با این حال، آنچه احتمالا اتفاق می‌افتد، این است که ترامپ به دنبال مجوز استفاده از نیروی نظامی خواهد بود، قانونی که در سپتامبر ۲۰۰۱، چند روز پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، لازم‌الاجرا شد. اگر مجوز AUMF (قانون اختیارات جنگی) اعطا شود، به این معنی است که ترامپ می‌تواند عملیات نظامی ایالات متحده را بدون تاریخ پایان ادامه دهد». اما سناریوی دیگر آن است که جنگ با ایران متوقف شود اما محاصره دریایی به‌عنوان «بازر اعمال تحریم» علیه ایران ادامه داشته باشد.

حمید حسینی، دبیر اتحادیه فرآورده‌های نفتی و کارشناس انرژی، به «شرق» می‌گوید که ایران باید قبل از آنکه دیر شود، از برکه تنگه هرمز و بازار نفت برای چانه‌زنی در مذاکرات استفاده کند و نباید در استفاده از این برکه تا زمان تضعیف تاب‌آوری کشور تعلق کند و فرصت را از دست بدهد. او توضیح می‌دهد که درحال‌حاضر ایران ۱۶۰ تا ۱۷۰ میلیون بشکه نفت روی آب دارد که خارج از آب‌های خلیج فارس و دریای عمان قرار دارد. به گفته حسینی ایسن میزان نفت روی آب، معادل سه ماه صادرات نفت کشور است و باعث افزایش تاب‌آوری صادرات نفتی کشور از محاصره دریایی می‌شود. به‌جز این رزرو نیز نوشته است که در صورت محاصره دریایی ایران، این کشور می‌تواند تا دو ماه بدون صادرات و کاهش تولید، نفتکش‌های خود را پر کند اما از سه ماه به بعد، میزان تولید روزانه نفت ایران ۵۰۰ هزار بشکه کاهش خواهد داشت.

در همین زمینه، حسینی تأکید می‌کند که ایران می‌تواند واردات کالاهای اساسی و صادرات را از مرزهای زمینی ادامه دهد اما برای صادرات نفت، گاز، متانول و برخی فرآورده‌هایی که نیاز به مخازن نفتکش‌ها دارند، ناچار به صادرات دریایی است.

او در ادامه توضیح می‌دهد: ادامه محاصره دریایی کشور می‌تواند به افزایش هزینه واردات و صادرات و تورم بیشتر منجر شود و ناراضیاتی ایجاد کند، درحالی‌که جنگ نظامی می‌تواند مردم را در حمایت از کشور و حامیت متحد کند. از آن سو ادامه جنگ علاوه بر اینکه می‌تواند برای بازار نفت و گاز از محاصره جهان هزینه ایجاد کند، برای اقتصاد کشور هم هزینه سنگین به دنبال خواهد داشت و مصداق آن آسیب‌هایی است که جنگ به زیرساخت‌های اقتصادی کشور ایجاد کرده است. بنابراین من تصور می‌کنم بهترین راه این است که ایران هم‌اکنون از برکه تنگه هرمز و بازار نفت استفاده کند و در مذاکرات چانه‌زنی کند؛ چراکه با تداوم جنگ و کاهش تاب‌آوری اقتصاد کشور، ممکن است همین برگه هم برای چانه‌زنی از دست برود.

به گفته حسینی چنانچه تولید نفت ایران کاهش پیدا کند و چاه‌های در مدار مسدود شوند، بازگرداندن آنها به چرخه تولید بسیار دشوار است و نیاز به سرمایه‌گذاری درخور توجهی دارد. این کارشناس توضیح می‌دهد که برگرداندن تولید یک بشکه نفت حدود چهار تا پنج هزار دلار هزینه دارد و تولید نفت ایران در زمان امضای برجام به چهارمیلیون و ۳۰۰ هزار بشکه نفت در روز رسیده بود، اما با تحریم نفت ایران و کاهش ظرفیت تولید نفت، هم‌اکنون تولید نفت ایران به ۳۰۵ میلیون بشکه در روز رسیده و در تمام سال‌های تحریم کشور نتوانسته است تولید از دست‌رفته را احیا کند. این در حالی است که جنگ خسارات وسیعی به زیرساخت‌های کشور رسانده و دولت میزان خسارت جنگ را حدود ۲۷۰ میلیارد دلار برآورد کرده است.

شرق

یادداشت

اقتصادومسئله جنگ یا مذاکره

مجتبی بهاروند، رئیس سابق و مشاور فعلی کمیسیون حمل‌ونقل، لجستیک وگمرک اتاق بازرگانی ایران، جنگ، صرف‌نظر از ابعاد انسانی و امنیتی آن، یکی از پرهزینه‌ترین پدیده‌هایی است که یک اقتصاد ملی می‌تواند با آن مواجه شود. پیامدهای اقتصادی جنگ تنها به دوره درگیری محدود نمی‌شود، بلکه در بسیاری موارد سال‌ها و حتی دهه‌ها پس از پایان آن نیز ادامه می‌یابد و روند توسعه کشور را با اختلال جدی روبه‌رو می‌کند. در شرایطی که حدود ۹۰ درصد تجارت خارجی کشور از طریق مسیریهای دریایی انجام می‌شود، هرگونه درگیری نظامی یا محاصره دریایی می‌تواند به‌سرعت جریان واردات و صادرات را مختل کند. این اختلال، در میان‌مدت منجر به کمبود کالاهای اساسی، افزایش شدید هزینه‌های حمل‌ونقل، رشد تورم و کاهش دسترسی به بازارهای جهانی خواهد شد. محدودیت در تجارت خارجی، هم‌زمان فشار تحریم‌ها را تشدید کرده و هزینه مبادلات اقتصادی را به‌طور چشمگیری افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، تجربه جهانی نشان داده که بازسازی زیرساخت‌های تخریب‌شده در جنگ، نیازمند منابعی بالغ بر صدها میلیارد دلار است. این در حالی است که در دوران جنگ، منابع مالی کشور به‌جای سرمایه‌گذاری در توسعه، صرف هزینه‌های نظامی و جبران خسارات می‌شود و همین امر، شکاف توسعه‌ای را عمیق‌تر می‌کند. یکی از ابعاد کمتر مورد توجه، تأثیر جنگ بر زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی است. اختلال یا قطع اینترنت که در شرایط بحرانی محتمل است، می‌تواند به تعطیلی گسترده کسب‌وکا‌ها، به‌ویژه استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های فعال در حوزه فناوری منجر شود. این مسئله نه‌تنها بلیک‌اوت‌ها دلار زیان اقتصادی به همراه دارد، بلکه موجب از بین رفتن اعتماد سرمایه‌گذاران و فرار سرمایه نیز خواهد شد. در حوزه ترانزیت که سالانه صدها میلیون دلار آزرآوری برای کشور به همراه دارد، جنگ می‌تواند مسیرهای بین‌المللی را ناامن یا مسدود کند و این مزیت ژئواکونومیک را از بین ببرد. در چنین شرایطی، رقبا به‌سرعت جایگزین خواهند شد و بازگشت به موقعیت پیشین، بسیار دشوار و زمان‌بر خواهد بود. این در حالی است که ظرفیت تجارت زمینی کشور، به دلیل محدودیت‌های زیرساختی، هزینه‌های بالا و زمان‌بر بودن، پاسخ‌گوی این خلأ نخواهد بود.

با این حال، یکی از نگران‌کننده‌ترین پیامدهای اقتصادی جنگ، افزایش بیکاری در مقیاس گسترده است. تعطیلی بنگاه‌های تولیدی، اختلال در زنجیره تأمین، کاهش صادرات و رکود اقتصادی می‌تواند به بیکاری میلیون‌ها نفر منجر شود. این وضعیت، علاوه بر فشار گسترده‌ای از جمله افزایش فقر، نابرابری، مهاجرت، آسیب‌های اجتماعی و کاهش سرمایه اجتماعی را در پی خواهد داشت. در چنین شرایطی، ضرورت دارد تصمیم‌گیران یکسوزبا نگاهی واقع‌بینانه و به دور از شعارزدگی، ابعاد مختلف این بحران را در نظر بگیرند. تجربه نشان داده است که در بزرگه‌های حساس، غلبه رفتارهای هیجانی بر تصمیم‌گیری‌های عقلانی، می‌تواند هزینه‌های جبران‌ناپذیری به کشور تحمیل کند. در مقابل، عمل‌گرایی، تعقل و توجه به منافع بلندمدت ملی، مسیر عبور کم‌هزینه‌تر از بحران‌ها را هموار می‌کند.

آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای	
شماره RND-0418040-MR	
تحت عنوان خرید آچار ترکمر	
شرکت پالایش نفت امام خمینی(ره) شازند (سهامی عام)	
شرکت پالایش نفت امام خمینی(ره) شازند در نظر دارد خدمات موضوع صدارالاشاره را از طریق مناقصه عمومی مطابق اسناد مناقصه به متقاضیان واجد شرایط واگذار نماید. شرکت های متقاضی می توانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر و شرایط شرکت در مناقصه به سایت اینترنتی شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره) شازند به آدرس WWW.IKORC.IR مراجعه نمایند.	
۱- موضوع مناقصه :	
الف) شرح مختصر:	
ردیف	شماره مناقصه
۱	RND-0418040-MR
مبلغ تضمین شرکت در مناقصه(ریال)	۲.۲۸۳.۰۰۰.۰۰۰
زمان تحویل کالا	شش ماه پس از انعقاد قرارداد
مقدار	۶ قلم / ۲۴ عدد
موضوع مناقصه	آچار ترکمرتر و متعلقات
ب) تضمین مورد قبول شامل : ضمانتنامه بانکی / واریز وجه نقد / چک تضمینی / چک بین بانکی.	
ج) شرکت در رد یا قبول هر یک یا تمام پیشنهادها بدون آنکه محتاج به ذکر دلیل باشد مختار است.	
۲-اشخاص حقوقی واجد شرایط می‌توانند، جهت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی براساس تاریخ های مندرج بشرح ذیل به آدرس اینترنتی فوق الذکر مراجعه و پس از دریافت اسناد و مطالعه آن ، مستندات ارزیابی کیفی مورد نظر را در قالب یک فایل با نام موضوع مناقصه در قالب لوح فشرده و در مهلت مقرر به آدرس مندرج در ذیل آگهی فراخوان تحویل و یا ارسال نمایند. بدیهی است پیشنهاد هایی که با شرایط مندرج در فراخوان اختلاف داشته باشند و یا بعد از مهلت مقرر در متن فراخوان ارسال گردند ترتیب اثر نخواهد شد.ضمنا پس از مراحل ارزیابی کیفی متقاضیان ، از شرکت های واجد شرایط تایید شده جهت ادامه فرآیند مناقصه دعوت به عمل خواهد آمد.	
۳- مهلت ارسال تقاضا(اعلام آمادگی) و دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی:	
۱-۳ مهلت ارسال تقاضا و دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی : از روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۷ لغایت روز دو شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۷	
۲-۳ آخرین مهلت ارسال اسناد استعلام ارزیابی کیفی: روز دو شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۱۴	
۳-۳ تاریخ گشایش پاکات اسناد مناقصه متعاقبا اعلام می گردد.	
۴) نام و نشانی دستگاه مناقصه گزار: شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره)شازند واقع در استان مرکزی- اراک- کیلومتر ۲۰جاده بروجرد- ساختمان مرکزی طبقه سوم- اداره تدارکات کالا- اتاق ۱۱۳	
تلفن تماس: ۰۸۶-۳۳۴۹۲۹۱۰ (آقای رضایی) ، ۰۸۶-۳۳۴۹۲۹۱۱	
فکس: ۰۸۶-۳۳۴۱۶۲۴۴ ، ۰۸۶-۳۳۴۱۶۲۴۵ ، ۰۸۶-۳۳۴۹۲۹۱۱	
روابط عمومی شرکت پالایش نفت امام خمینی (ره)شازند	